

تماشاخانه

درباره نمایش «پسران آفتاب» به کارگردانی سیامک صفری

کمدی کلنجار



هوشنگ گلمکانی

● این بار که داشتیم نمایشنامه «پسران آفتاب» را می‌خواندیم، دیدم آنچه‌ از «نیل سامیون» نقلیه به یادم مانده، همین کلنجرهای کلامی آدم‌هایی است که به هر دلیلی به جان هم افتاده‌اند و دارند با نیش زبان‌شان همدیگر را مشت‌و‌مالم می‌دهند؛ آدم‌هایی که شاید تعارض خیلی جدی هم به‌هم ندارند اما گاهی روی قوز می‌افتند و می‌خواهند روی همدیگر را کم کنند و به‌اصطلاح این روزها بپوزنی کنند. پینگ‌پنگ کلامی بی‌وقفه و سریع میان شخصیت‌های آثار «سامیون» مشخصه کار اوست که از استندآپ کمدی‌های نمایش‌های وودویل می‌آید؛ عین همین ویلی کلارک و آل لوییس «پسران آفتاب» که رسماً ریشه در نمایش وودویل دارند و نقش دو نمایشگر موفق و حالا بازتأخته آن جور نمایش‌ها را دارند. این تأثیرپذیری در ریشه در دوران کودکی دشوار (سامیون) (متولد ۱۹۲۷) دارد که مصادف شده بود با بحران اقتصادی بزرگ آمریکا در دهه ۱۹۳۰ و نمایش‌های وودویل حکم پناهگاهی روانی در آن هنگامه فقر و دشواری داشت. دیگر نمایشنامه‌ها و فیلمنامه‌های موفق «سامیون» هم حاوی کلنجرها و پینگ‌پنگ‌های کلامی سریع و دیوانه‌واری هستند که از بر اساس موقعیت شکل می‌گیرند یا جنس هستند و بازی‌هایی با وزن و آهنگ کلمات. «نیل سامیون» استاد کمدی موقعیت و کلام است. به‌جز همین «پسران آفتاب» به یاد بیاورید «پلانه‌بر در پارک» و «چرتی شیرین» و «زوج عوضی» و «دختر حافظ‌قلی» را؛ یا حتی «زندانی خیابان دوم» که وجه درام و جدی‌ش بر کمدی آن می‌چرید. کمدی کلنجر مکنی بر ریتم سریع است و رگیار کلمه‌ها و جمله‌ها – مثل بگومگوی حاجی و سیاه در نمایش‌های روح‌حوی و سیاه‌بازی خودمان – و جا ماندن یکی از دو طرف از این مسابقه حرف‌ای از عناصر اصلی شکل‌دهنده اثر است. تماشاگر از طرفی از اینکه خودش نکته را گرفته اما مخاطب جمله‌ها در مفهوم آنجا می‌ماند لذت می‌برد و هم حاضر‌جوابی و تسلط آدم‌های نمایش را تحسین می‌کند. بیلی وایلدر، استنلی داتن، ودی آلن، هبریت راس، جن ساکس، باب فاسی و ملوین فرانک از جمله استادان اجرا و کارگردانی این نوع کلنجرها در سینما هستند. زمان‌بندی درست و ریتم سریع اجرا از عوامل اصلی موفقیت آثار «سامیون» در تئاتر و سینماست. خود او هم در توزیع و زمان‌بندی شوخی‌ها باید این را رعایت کند که شوخی‌ها به‌اصطلاح همدیگر را زیر نگیرند و خنده تماشاگران به شوخی قبلی، تأثیر و درک شوخی بعدی را از بین نبرد و مانع شنیدنش نشود. اجرای «سیامک صفری» از نمایشنامه «پسران آفتاب»، که اکنون روی صحنه تالار اصلی تئاترشهر است، نکته کلیدی اول را به هر دلیل نادیده گرفته و ریتم اجرا کندتر از ریتم آشنا و متناسب با متن در اجرای کلی نمایشنامه نیل سامیونی است اما البته ریتم انتخابی او باعث شده درک و دریافت آنها توسط تماشاگر آسان‌تر باشد و شوخی‌ها از دست نروند.

انتخاب چنین نمایشنامه‌ای توسط «صفری» برای کارگردانی و بازی در یکی از دو نقش اصلی‌اش، انتخابی درست و متناسب با توانایی‌های اوست. بازی‌های کلامی «صفری» در اجراهای سال‌های اخیرش و لحن انتخابی او، به‌خصوص تکرارهای کلمه‌ها و عبارت‌ها، حالا که به آنها فکر می‌کنیم به نظر می‌رسد انگار از دل آثار «نیل سامیون» بیرون آمده‌اند و اکنون در این اجرا حکم یک شاخص در بازی یک بازیگر مولف را پیدا کرده‌اند. لحن به‌اصطلاح «کول» و یکنواخت «صفری» در اجرای نقش «ویلی کلارک» هم یکی از جاذبه‌های کار او در این نمایش و متناسب با روحيات یک کمدین موفق سابق نمایش‌های عامی‌سند است که نمی‌خواهد بپذیرد پیر و پازنشسته و از کار افتاده شده و همچنان سرتوت و مدعی باقی مانده و دست از آزار زوج سابقش که حالا ۱۱ سال است او را ندیده و در این مدت با هم قهر بوده‌اند، برنمی‌دارد. نکته اساسی در بازی «صفری» پرهیز او از صداسازی و گرم سنگین (منهای سفیدکردن مو) و «حرکت‌های پیرمرده» است. او مثل همیشه از ویژگی ذاتی اندامش (الذکی انحای کردن) برای بازسازی «ویلی کلارک» هم استفاده می‌کند، در حالی که «فرزین صابونی» بازیگر نقش آل لوییس (که طبق متن، سنش بیشتر از ویلی کلارک است) ناچار به صداسازی و «بازی» حرکت‌های پیرمرده‌اش شده است. «بهاره هنما» با وجود نقش کوتاه‌ش مثل همیشه کارش را شیرین انجام می‌دهد. «پسران آفتاب» اجرای تقریباً وفادارانه به متن است، به‌جز حذف ناگزیر پرسوناژ پرستار در تمرین نمایش «دکتر» توسط کلارک و لوییس، در پرده مقابل آخر، بقیه نمایش کم‌وبیش مطابق متن اصلی پیش رفته و برخلاف روال رایج این سال‌ها از واردکردن شوخی‌های جنسی و سیاسی روز و اینجایی در آن پرهیز شده؛ در حالی که متن قابلیت بسیار برای این‌جور مزه‌پزانی‌ها داشته و این قابلیت وسوسه‌کننده‌ای در تئاتر این سال‌ها مایه‌ای خنده بیشتر گرفتن از تماشاگر و پرکردن صندلی‌هاست. بنا به سنت نقد فیلم در این سال‌ها که کلیشه «کمی طولانی است، باید کوتاه‌ترش کرد» ورد زبان‌هاست، در مورد «پسران آفتاب» هم می‌شود گفت بدون حذف چیزی از آن، می‌توان با تغییر ریتم اجرا، جذاب‌تر و کوتاه‌ترش کرد.

و نکته آخر تحسین کار خاتم «آهو خرمند» در ترجمه متن است؛ ترجمه‌های روان و حرفه‌ای از یک تئاتری کهنه‌کار که کلام تئاتری را می‌شناسد؛ اما متأسفانه شلختگی ناشر باعث شده کتاب پر از غلط‌های چاپی و تایپی و لپی باشد و حتی آن را به دست ویراستاری نسپرده تا تفاوت لحن و ادبیات مجاوره با توضیحات متن را سامان دهد و یکدست کند.

در شب‌های تاریک و بی‌سروصدای ۱۲ یا ۱۴ سال پیش هرات بود که با پدرم تلاش می‌کردیم، آنتنی بلند را در حیاط خانه سر پا کنیم تا بتوانیم دست‌کم یکی از شبکه‌های تلویزیون‌های ایران را –هرچند برکی– بگیریم. کوشش‌هایمان با گرفتن شبکه یک، آن‌هم پر از برفک نتیجه داد و یکی، دو ساعت پای تلویزیون سیاه‌وسفیدمان نشستیم و تماشا کردیم. پنجره‌های خانه را اما محکم می‌بستم و پرده‌های سیاه را می‌کشیدیم تا مبادا که صدا و نور از خانه بیرون رود چراکه آن سال‌ها در سایه حکومت طالبان روزگار سپری می‌کردیم. این کار هر شب بسیاری از خانواده‌های هراتی بود. البته آنهایی که وضع مالی‌شان بهتر بود، دستگاه ماهواره قاچاقی می‌خریدند و با هزار دردسر نصیب می‌کردند تا بتوانند به شبکه‌های ایران دسترسی پیدا کنند. طالبان دشمنی سرسختی با هر گونه فیلم، تلویزیون، ماهواره و حتی موسیقی داشت. اگر کسی هم گیر طالبان می‌افتاد، روزگارش سیاه بود، نه‌تنها تلویزیون را می‌شکستند که همچون مجرمی خطرناک او را در شهر می‌چرخاندند تا درس عبرتی باشد برای دیگران؛ با اینهمه اما باز هم مردم نمی‌خواستند تا با جهان بیرون از این مرزها قطع رابطه کنند. تا همین چند سال پیش، نواهای موسیقی و فیلم‌های ویدئویی روی شاخه‌های درختان کاج (یا به قول ما افغان‌ها ناژو) هرات آویزان بودند که همه میراث طالبان می‌خواندندش.

کیفیت بالا کمیت نسبی

سال‌ها از آن زمان می‌گذرد در افغانستان شمار بسیاری رسانه‌های دیداری و شنیداری به وجود آمده است. تنها در هرات ۱۱ شبکه تلویزیونی به میدان آمده است و گمان می‌رود این شمار همچنان افزوده شود. در دیگر کلاشهرهای افغانستان نیز، وضعیت همینگونه است. روی‌هم‌رفته رسانه‌ها – به‌ویژه رسانه‌های دیداری – با بازشدن فضای سیاسی- فرهنگی رشد خوبی داشتند و تأثیرگذار هم هستند. گرچه آنقدرها که کمیت این رسانه‌ها رشد داشته، کیفیت آنها رشدی نداشته است. بیشتر رسانه‌های دیداری در افغانستان خصوصی یا از سوی احزاب، گروه‌ها و گاهی هم ادعا می‌شود که از سوی کشورهای همسایه، پشتیبانی می‌نهند. زانم‌هایی که این رسانه‌ها پخش می‌کنند از خبر گرفته تا پخش سریال و فیلم، برنامه‌های انتقادی طنز، ورزش و کودک و نوجوان است. یعنی شما در بیشتر رسانه‌های این کشور برنامه‌ریزی‌شده را می‌بینید.

سریال افغانی به سبک هندی

سریال‌ها و فیلم‌های گوناگون و کمی، در این سال‌های پس از طالبان ساخته شده است که هیچ‌گاه مخاطب را راضی نکرده است. فیلم‌سازان افغان بیش‌تر تأثیرپذیر از سینمای هند هستند و ساختار فیلم‌هایشان همان‌گونه است. جدا از این فیلم‌سازان دیگری هم هستند که فیلم‌های خوبی ساختند، مانند صدیق برمک که با ساخت «اسامه» مشهور شد ولی برای سریال‌سازی گام‌های کوچکی برداشته شده و راه درازی را سینماگران افغان در این راستا در پیش دارند. در این سال‌ها سریال‌هایی مانند «رازهای این خانه» که از شبکه تلویزیونی طلوع پخش می‌شد، سریال «بوهنتون اف ام» که تهیه‌شده تلویزیون ملی بود، سریال «هیله» که این شب‌ها از سوی شبکه سبا البته به زبان پشتو پخش می‌شود و... اندک سریال‌های ساخته‌شده‌ای هستند که منتقدان خود را هم دارند. به باور بسیاری

همین ضعف در ساخت سریال‌های خوب، باعث شده تا بیش‌تر مخاطبان به‌سوی سریال‌های خارجی بروند.

آهسته و پیوسته

سریال‌های ایرانی همواره در کنار سریال‌های هندی و ترکی جایگاه خاص خود را داشته است. ارزش سریال‌های ایرانی نه مانند سریال‌های هندی یکپاره رشد کرده، نه هم به یکپاره افت داشته است. شاید در زمان‌هایی کم‌تر پخش شود، که آن‌هم بستگی به ساخت سریال در ایران دارد؛ اما هیچ‌گاه مخاطب خود را از دست نداده و روندش آهسته و پیوسته بوده است. این سریال‌ها در افغانستان مخاطبان خود را دارند. پخش سریال‌های ایرانی از تلویزیون‌های پایتخت کمتر دیده می‌شود و

هفت جهان

جورج کلونی: عمرالبشیر را با ماهواره زیر نظر می‌گیرم

شرق: جورج کلونی، بازیگر هالیوود در سال‌های اخیر نسبت به وضعیت کشور سودان حساسیت داشته است. او در تازه‌ترین صحبت‌هایش گفته که «عمرالبشیر» او را متهم به جاسوسی کرده است. این اولین‌بار نیست که ستاره معروف سینمای هالیوود درباره وقایع سودان به اظهارنظر می‌پردازد. او مانند بسیاری از دیگر بازیگران سینما، فعالیت‌های اجتماعی برای مردم آسپیدیده در سراسر جهان انجام می‌دهد اما پس از آنکه از سال ۲۰۰۳ قصد داشت توجه خود را روی

مردم سودان متمرکز کند و اقدامات دولت عمرالبشیر را نشان دهد، با تنش دولت عمرالبشیر مواجه شد و از آن زمان تاکنون نسبت به وقایع این کشور واکنش نشان می‌دهد؛ همچنان که

اواخر سال ۹۰ هنگام برگزاری

تجمع اعتراضی آمیز نسبت به کشتار غیرنظامیان در منطقه «جنوب کردفان» در مقابل سفارت سودان در واشنگتن بازداشت شد. در همین رابطه کلونی در ملاقات با باراک اوباما، رئیس‌جمهور آمریکا و حضور در کمیته روابط خارجی مجلس سنا درباره خون‌های دولتی در منطقه جنوب کردفان سودان ابراز نگرانی کرده بود. این ستاره

درست در برابر آن، در هرات هیچ رسانه دیداری محلی نیست که سریال و فیلم ایرانی پخش نکند. به‌ویژه در روزهای سال نو و ماه رمضان که سریال‌های تازه از سوی شبکه‌های ایرانی ساخته می‌شود، مخاطبان هراتی بیشتری را پای تلویزیون می‌نشانند.

با یک آنتن ساده سریال ایرانی ببینید

سریال‌ها و فیلم‌های ایرانی به‌باور سیدجواد رامیار استاد جامعه‌شناسی در دانشگاه هرات، مخاطب عام دارد. او می‌گوید: «از آنجایی که تقریباً همه سریال‌های ایرانی به‌وسیله شبکه‌های تلویزیونی محلی هرات و برخی از سریال‌ها هم از سوی شبکه‌های سراسری پخش می‌شود، می‌توان گفت که مخاطب عام دارد.» ولی بیشترین مخاطبان سریال‌ها و فیلم‌های ایرانی را ساکنان غرب افغانستان تشکیل می‌دهند. مردم در غرب این کشور هم‌مرز با ایران هستند و بیشتر مردم این مناطق بی‌گمان در دوره‌های جنگ به ایران کوچ کرده‌اند و در چند سالی که در آنجا زندگی کرده‌اند، با فرهنگ و لهجه ایرانیان بیشتر آشنا شدند. از همین روست که آقای رامیار می‌گوید، مردم غرب افغانستان «طراف‌های این محصولات را بهتر درک می‌کنند».

برای نمونه در گویش پارسی-دری ایرانی، اصطلاحات و واژه‌هایی به‌کار می‌رود که برای بسیاری از مردم پارسی‌گوی این‌سوی مرز ناآشناست. از سوی دیگر گویش ایرانیان با افغان‌های پارسی‌گو دگر است و مردم مناطق جنوبی و شرقی (پشتون تبارها)، به‌ویژه کسانی که تاکنون جامعه ایران را تجربه نکرده‌اند، نمی‌توانند بسیاری از این اصطلاحات و واژه‌ها را درک کنند. گاهی هم برخی از این بخش مردم – کسانی که با گویش ایرانیان آشنا نیستند – می‌گویند که این گویش برای‌مان ناآشناست! گفته می‌شود در ولایت‌های غزنی، بامیان، مزار شریف و حتی در کابل، مردم بیشتر برای دیدن سریال‌ها و فیلم‌های ایرانی از ماهواره استفاده می‌کنند تا بتوانند شبکه‌های داخلی ایران را نگاه کنند. البته هرات تا اندازه‌ای متفاوت است. تلویزیون‌های محلی این استان، بیشترشان فیلم‌ها و سریال‌های ایرانی را پخش می‌کنند و برخی هم دست‌کم مستندهای دوبله ایران را بهنمایش می‌گذارند. در برخی

شهرهای هم‌مرز با ایران مانند غوریان، نیازی به ماهواره یا شبکه‌های محلی نیست چون با یک آنتن ساده می‌توان پنج شبکه ملی ایران را تماشا کرد. این سریال‌ها طرفداران بی‌شمار خود را هم دارند که به‌گفته یکی از مسئولان تلویزیون‌های محلی، اگر روزی با چالش‌ی روبه‌رو شویم و نتوانیم یک بخش از سریالی را پخش کنیم، بیننده‌های بسیاری زنگ می‌زنند که چرا سریال پخش نشده است!

سریال‌های کمدی طرفداران بیشتری دارند

روزی به یکی از بازارهای هرات سر زدیم. بازاری که بیشتر رادیو، تلویزیون، فیلم و... می‌فروشد. این بازار در مرکز شهر هرات است و در منطقه‌ای شلوغ، به یکی از دکان‌هایی که فیلم

هنر



عبدالله

گزارش «شرق» از بازار فیلم و سریال‌های ایرانی در کشور همسایه

برره‌ای‌ها در افغانستان

آصف جاهد

می‌فروخت سر زدم در و دیوار دکانش پر از فیلم‌های ایرانی، هندی و آمریکایی بود. حتی اینجا سریال‌های تازه ایرانی مانند دودکش، ویلای من، مهرآباد و... به‌فروش می‌رسید. دکاندار می‌گفت بیشترین فروش‌شان سریال‌های کمدی ایرانی است. از او پرسیدم که این سریال‌ها را چگونه به‌دست می‌آورند؟ او گفت:

برخی از این سریال‌ها از روی سایت‌ها دانلود می‌کنیم و برخی دیگر را هم، یک نسخه دی‌وی‌دی را از کشور ایران می‌خریم و اینجا کپی و تکثیر می‌کنیم. تلویزیون‌ها هم همین داستان را دارند. در روز نخست ماه رمضان، یکی از تلویزیون‌های محلی را تماشا می‌کردم که آگهی سریال «خروس» را پخش می‌کرد. این سریال قرار بود از فردای آن‌روز از این شبکه محلی پخش شود. تعجب کردم؛ چون که «خروس» از همان شب نخست در شبکه دو ایران روی آنتن می‌رفت. به این معنی که بیشتر سریال‌های ایرانی به‌ویژه کمدی، با فاصله کمتر از ۲۴ ساعت از آغاز پخش در تلویزیون‌های ایران سر از تلویزیون‌های محلی هرات در می‌آورند. با یکی از مسئولان تلویزیون محلی هرات در این‌باره گپ زدیم. از او پرسیدم که از کجا این فیلم‌ها و سریال‌ها را به دست می‌آورند؟ از من خواست تا نامش را فاش نسازم و گفت: «ما این سریال‌ها را از سایت‌های ایرانی دانلود می‌کنیم یا اینکه یک کپی‌اش را از بازارهای فیلم‌فروشی در ایران می‌خریم».

کیی رایتی که رعایت نمی‌شود
هرچند در قانون افغانستان، حق تکثیر یا همان کپی‌رایت را برای سازنده اثر محفوظ اعلام کرده‌اند ولی شاهد پخش

این اثرها از سوی رسانه‌ها هستیم و کسی هم با آن برخوردی نمی‌کند. قانون حمایت حقوق مولف، مصنف، هنرمند و محقق در پنجم مرداد سال ۱۳۸۷ در شماره ۹۵۶ جریده رسمی منتشر شده است.

باید گفت در این‌ قانون که تنها برای پدیدآورندگان داخلی در نظر گرفته شده و برای پدیدآورندگان خارجی موضوع چندان روشن نیست؛ هرچند، در پخش کتاب، چند سال پیش یکی از ناشران افغان که مجوز انتشارات در ایران را دارد از چاپ غیرقانونی کتاب‌هایش در افغانستان شکایت کرد. در این‌باره سیدمخدوم رهین وزیر اطلاعات و فرهنگ افغانستان گفته بود که اگر این ادعا درست باشد، آنان این موضوع را به مراجع قانونی خواهند سپرد. ولی این‌باره در پیوند با کتاب بوده و گویا تاکنون کسی از سازندگان و پدیدآورندگان خارجی فیلم‌ها و سریال‌ها به آنان شکایت نکرده‌اند.

پوستر بازبگران ایرانی

نمی‌توان از تأثیرگذاری محصولات فرهنگی ایرانی، چشم‌پوشی کرد. به‌باور رامیار، بی‌گمان این سریال‌ها و فیلم‌ها تأثیرگذار است و در کوتاه‌مدت می‌تواند باعث رواج اصطلاحات ویژه در ادبیات مردم شود و بر روش زندگی افراد تأثیر می‌گذارد. به‌گفته این استاد دانشگاه، این سریال‌ها و فیلم‌ها آشنایی مردم را درباره زندگی روزمره مردم ایران بیشتر می‌کند. به‌راستی هم که برخی از واژگان پرکاربرد در فیلم‌ها و به‌ویژه سریال‌ها، اینجا هم زبانه‌ز مردم شده است. برای نمونه واژه «پاچه‌خواری» که در سریال‌های ساخت مهران مدیری در جامعه ایران جا باز کرده، این‌سوی مرز هم از سوی بسیاری به‌جای «چاپلوسی» به کار می‌رود یا گویش برره‌ای و به‌کارگیری کارواژه‌های کمکی‌ای مانند، بید، نبید، نوشه، وشه و... را هنوز هم برخی از مردم هنگام شوخی با یکدیگر به‌زبان می‌آورند. از سوی دیگر پخش این سریال‌ها و فیلم‌ها باعث شکل‌گیری ذهنیتی خاص میان مردم می‌شود. رامیار می‌گوید: «این ذهنیت‌ها می‌تواند مثبت یا منفی باشد. برای نمونه، سریال «چهارخونه» بیشتر ذهنیت منفی ایجاد کرد که حتی تلویزیون‌های اینجا با اینکه پخش‌هایی از آن را پخش کرده بودند، توهین‌آمیزش خواندند و دیگر پخش‌های این سریال را پخش نکردند.» از سوی دیگر بسیاری از افغانستانی‌ها با بازیگران ایرانی، دو‌دردو آشنايند و کارهایشان را دنبال می‌کنند. چهره‌هایی مانند، زنده‌باد خسرو شکیبایی، پرویز پرستویی، مه‌ران مدیری، رضا عطاران و... در میان بازیگران و کارگردان مرد، فاطمه معتمدآریا، مهناز افشار و هانیه توسلی و... در میان بازیگران زن، نام‌آشنا هستند و حتی پوسترهای این افراد در بازار به‌فروش می‌رسد و برخی هم عکس‌هایشان را در تابلوها برای تبلیغات به کار می‌گیرند.

رواق جانان

گزارشی از برپایی نمایشگاه قرآن در قسم

«صدف ناشکافته خلیج فارس»

میزبان اهالی قرآن

فرزانه ابراهیم‌زاده– قسم: این روزها جزیره قسم میزبان جشنواره و نمایشگاه قرآن است؛ جشنواره‌ای که در آخرین ساعات دوشنبه ۱۴ مرداد در محل دایمی نمایشگاه در قسم با حضور نماینده ولی‌فقیه در استان هرمزگان و امام‌جمعه بندرعباس افتتاح شد. در این نمایشگاه که با شعار سبک زندگی برنامه‌ریزی شده است؛ در کنار ناشران قرآنی برخی از هنرمندانی که در زمینه آثار هنری کاربردی مانند تابلوفرش‌ها و کارهای کاشی و معرق و همچنین نمایشگاه مد و لباس فعالیت دارند حضور دارند. آیت‌الله نعیم آبادی در این مراسم که جمعی از مسئولان دولتی استان و جزیره قسم و روحانیان اهل تسنن و تشیع حضور داشتند، گفت: «ما با قسرآن در ارتباطیم یا ارتباطمان کم است به این دلیل که ما قرآن را کتاب زندگی نمی‌دانیم. اگر قرآن را کتاب زندگی بدانیم، با آن زندگی می‌کنیم» نماینده مردم هرمزگان در خبرگان رهبری، قرآن را کتلی زنده دلست و گفت: «این کتلی است هم برای بازار هم برای قبر، اما چرا ما قرآن را تنها به گورستان می‌بریم؟ در بازار با ظلمت دیگران زندگی می‌کنیم و قرآن را برای روشنی قبرمان می‌خوانیم» نعیم‌آبادی با استناد به آیه سوره اسراء «ان هذا القرآن یهدی للتی هم اقصوم» گفت: «گرفتاری ما این است که قرآن را در متن زندگی خودمان قرار ندانیم» در این مراسم همچنین حجت‌الاسلام علی ملاطوری رئیس اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی منطقه آزاد قشم ضمن ارایه گزارشی از دومین نمایشگاه قرآن گفت: قسم: «در این دوره از نمایشگاه تلاش شده است تا با بهره‌گیری از تاکیدات مقام‌عظم‌رهبری بر سبک زندگی به‌عنوان هدف اساسل این دوره از نمایشگاه بر اساس سبک ایرانی -اسلامی برنامه‌ریزی شود» ملاطوری حضور غرفه‌های مد و لباس و تزئینات داخلی را از برنامه‌های نشان‌دادن سبک زندگی در این دوره نمایشگاه دانست و افزود: «این نخستین نمایشگاه خارج از تهران مد و لباس است و سعی شده گونه‌های چادر را به نمایش بگذاریم» حیدری‌پور مدیرعامل منطقه آزاد قشم که به برگزارکننده این برنامه است؛ نمایشگاه قرآن را یکی از برنامه‌های فرهنگی، اجتماعی و مذهبی جزیره قسم دانست و گفت: «در اهداف اولیه منطقه آزاد قشم توسعه و عمران جزیره دیده شده بود. اما سعی شده تا اهداف فرهنگی اجتماعی و مذهبی در قسم برگزار شود.» حجت‌الاسلام جوکاری امام‌جمعه قسم نیز در بخش دیگری از افتتاحیه نمایشگاه قرآن در قسم ابراز امیدواری کرد که فعالیت‌های قرآنی در قسم محدود به این ۱۰شب نباشد و تداوم داشته باشد. نمایشگاه و جشنواره قرآن قسم از ۱۵ تا ۲۵مرداد در قسم در حال برگزاری است.

مؤسسه خیریه بهنام دهش‌پور

شماره حساب بانک سامان (شعبه دربند) ۰۵۰۶۰۷۰۸۰۱-۸۴۲-۸۱۰۰
شماره کارت بانک سامان ۵۳۹۶-۰۸۹۳-۰۰۰۰-۸۶۱۰-۶۲۱۹
دفتر مرکزی: ۰۲۱-۲۳۲۰۰۸۹۷
شعبه بیمارستان شهدای تجریش: ۰۲۱-۲۳۲۱۰۰۲۰

www.behnamcharity.org.ir
info@behnamcharity.org.ir

ای نیکی بخشی که بر تو منتی نیست

رمضان ۱۳۹۲ با مؤسسه خیریه بهنام دهش‌پور

سینما که تبلیغات یکی از شرکت‌های قهوه را نیز برعهده دارد، در تازه‌ترین صحبت‌هایش در پارس به دلایل حضور در آگهی‌های تجاری این شرکت اشاره کرده و از آنجا که یکی از صادرات سودان، قهوه است، بار دیگر به وضعیت این کشور اشاره کرده است. به گزارش گاردین این بازیگر آمریکایی گفت: «دروغ قهوه‌ای از سودان جنوبی نوشیدم، قهوه علاوه بر نفت، تنها محصولی است که بعد از جنگ از سودان جنوبی صادر می‌شود.»او در این گفت‌وگو از عمرالبشیر به‌عنوان جنایتکار جنگی یاد کرده است: «پخش زبیدی از پولی را که از راه آگهی‌های تجاری به دست می‌آورم برای نگهداری از ماهواره‌ای مصرف می‌کنم که بالای مرزهای شمالی و جنوبی سودان است تا عملکرد عمرالبشیر، دیکتاتور سودان را